

## آشتی ملی چطور می تواند اعیار گردد

ببینیم يك مرتبه که چه بدبختی های وحدت ملی ما را به بحران کشانید تا به اساس آن راه بر آمد را ازان جستجو کرد و راه آشتی ملی را درپیش گرفت . بد بختی هارا که دامنگیر ملك و مردم گردید و اکنون راه برآمد ازان کارساده نیست ، به سه مرحله می توان دسته بندی نمود که یکی بحیث مولد دیگری و یکی درپی دیگری عرض وجود کردند.

- کودتای شوم ۷ ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی که گروه خلق و پرچم یعنی گماشته گان شوروی سابق آنرا براه انداختند.
- دولت تنظیم ها که درحوالی جهاد مردم افغانستان از طرف آی، اس، آی به پا ایستاده شدند.
- دولت طالبان که بازهم از طرف آی، اس، آی بر مردم افغانستان تحمیل گردید.

دولت اتحاد شوروی سابق که خوابهای دولت تزاری روسیه را درسرمی پروراند تا از طریق افغانستان به آبهای گرم نزدیک شود، باعدم شناخت از مردم مجاهد افغانستان و اراضی پیچیده آن ب فکر اینکه باگماشته گان خود ، گروه خلق و پرچم ، می تواند به آرزوی دیرینه خود نایل آید، کودتاه ۷ ثور را ، براه انداخت. این گروه های پرعقد و سرشار از اینکه درخدمت روسها قرار گرفته بودند، آنچه ازخوش خدمتی برای بادران خود که ازدست شان پوره بود ویا هم نبود دریغ نکردند. درنتیجه هزاره فامیل را سر به نیست کردند، اشخاص ملی و سر شناس را بقتل رسانیدند، طبقه چیز فهم کشوررا به گورستان های نامعلوم با بولدوزرها زیر خاک کردند و بیش از پنج میلیون افغان را به دیار بیگانه به مهاجرت مجبور ساختند. چون مقاومت مردم مجاهد افغانستان را شکستانده نمی توانستند ، لشکر بیگانه در اشغال وطن ما سرازیر گردید. با قوای بیگانه دست بهم داده داری های عامه و مردم را مورد دستبرد قرار داده ، کلتور، معارف و عنعنات مارا خواستند با کلتور، عنعنات و معارف بیگانه تعویض نمایند. برای تحکیم فرمان روائی خود اقوام برادر ملت را به ملیت ها مسما کردند و تخم نفاق را تا توانستند دربین مردم کاشتند. همبستگی اقوام و عشایر از بنیاد تخریب و طبقه منورما که سرمایه معنوی و کم از کم حاصل دو نسل کشور مارا تشکیل می داد، نیست و نابود گردید.

به ادامه گروه خلق و پرچم ، تنظیم ها هرکدام از همان مرحله اول بنوبه خود درپی آن شدند تا هر یک برای منفعت خود آنچه میسرش گردد ویا بقوت تفنگ بدست آورده بتواند، ولو بقیمت جان و مال مردم تمام شود، ازان دریغ نکنند. گروه های تنظیمی هرکدام از طرف همسایگان افغانستان بشمول دولت روسیه با پول و اسلحه برای برآورده شدن منافع شان و پایمال نمودن منافع ملی افغانستان استخدام گردیدند چنانکه آنها همه یکی بجان دیگر و همه بجان مردم بیچاره افتیدند. جهاد مردم افغانستان که بخون جان شان تمام شده بود ، فروخته و بد نام شد. شیرازه يك حکومت مرکزی ازهم پاشید، اردو و قوای پولیس تخریب گردید، شهرکابل بحمام خون و به ویرانه مبدل ، جان ، مال و ناموس مردم مورد تجاوز قرارگرفت و خزینه دولت بتا راج رفت . درین فراهم آوری بد بختی های مردم هیچ يك از گروه های تنظیمی از دیگری دست کم نداشت و هر یک از دیگری تا حد توان سبقت میجست .

بیداد گری های تنظیم ها و رسوائی های شان باعث گردید تا بازهم توسط آی، اس، آی ، گروه طالبان بروزکنند. مردم که ازقتل و قتال گروه های تنظیمی بی چاره شده بودند ، به شعار صلح طلبی و ظاهراً پشتی بانی ایشان از پادشاه سابق، فریب خورده و ازایشان پذیرائی بعمل آوردند . همین که این گروه اشغال گر درکشور تسلط کامل پیدا نمود، دیده شد که

## افغانستان

بدست يك گروه ظالم ، جبار وقهار قرار گرفته ودیری نگذشت که افغانستان بمركز عمده تروریستها وقاچاق مواد مخدر بسویه جهانی مبدل گردید وبالاخیر باعث آن شد تا قوای نظامی جمع از کشورهای غربی ، به اصطلاح دوستان ما ، بملك مایابیند تا برای ما در وطن خود ما صلح را ایجاد کنند.

دریک بررسی سلسله این بحرانات عظیم که تقریباً ۲۵ سال را دربر گرفت و یکی به ادامه دیگری کشور را سخت درپنجه ظلم و استبداد نگاه می داشت ، می بینیم که هزارها فامیل دوستان وعزیران خود را ازدست داده اند وازکشور ما ، چه معناً و چه مادتاً ، بجز يك خرابه چیزی دیگری باقی نمانده است .

وزیر اطلاعات وکلطور تره کی ، متصل بروز ۸ ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی یعنی روزیکه صبح آن درقصر گلخانه ، شخصیت های برجسته ملی با فامیل های شان ، بشمول زنان ، دختران واطفال معصوم به شهادت رسیدند ودران جا جوی خون روان گردید ، عقب میکروفون رادیو قرار گرفت و سرفراز بیان نمود که ما انتقام آلندی را گرفتیم (Allende رئیس جمهور سوسیا لیستی شیلی بود که درسال ۱۹۷۳م در سنديا گو د شیلی ، کشته شد) . ببینید این طرزتفکر وذهنیت مبتذل گروه فروخته شده وبیگانه پرست را که ذره از احساس ملی دروجود شان سراغ شده نمی تواند.

اکنون ازهرطرف ، چه دررسانه های درون مرزی وچه بیرون مرزی ، آوازا ازیک آشتی ملی بگوش می رسد(خاصتاً ازگوبندگان رادیو بی، بی، سی که صدای پرچی ها را از هر گوشه وکنار جهان به استودیو های بی، بی، سی می کشاند) ، و بیشتر ازطرف آن بقایای خلق وپرچم که باهم دستی شورای نظار وجمعیت درعقب صحنه سیاسی باقی مانده اند وزیر این نام وآن نام درتشکیل احزاب اقدام می نمایند ، گوشزد می گردد. از جانب دیگر ازبازگشت طالبان میانه رو سخن گفته می شود وجنگسالاران که هنوز هم پا درگلولی مردم درقدرت هستند .

وقتی این جنایات همه از نظر گذشتانده می شوند ، چطور امکان پذیر خواهد بود که مردم امروز بغل باز کنند وجانیان دیروز را زیر نام آشتی ملی ومیانه رو درآغوش بکشند ؟  
برای يك آشتی ملی صرف يك راه وجود دارد وآن اینکه همه متهمان هر سه گروه های تشریح شده فوق ، بینجه عدالت سپرده شوند . صرف با تأمین عدالت که سنگ استوارتأمین دیمو کراسی است ، می توان برزخم های داغدیدگان دولت های سالیان ظلم وبیدادگری گروه های خلق وپرچم ، دولت تنظیم ها وجنگسالاران ، گروه ظالم ، پریمیتیف وقاتل طالبان ، مرحم تسلیت گذاشت . درغیر تأمین عدالت ، دیموکراسی که درملك نو بنیاد است ، صرف بنام خواهد بود وهرآشتی ملی که صحنه سازی شود ، نا استوار ، چه عنصر مهم باشندگان این مرزوبوم هستند که درهر دوره از ظلم واستبداد کنار گذاشته نشده اند . تا زمانیکه همه جنایت کاران بسزای اعمال شان نرسند ، اساس يك آشتی ملی که رابطه مستقیم با تحکیم وحدت ملی دارد ، گذاشته شده نخواهد توانست .